

بسم الله الرحمن الرحيم

رادیکالیزم غربی تا رادیکالیزم اسلامی!

(ترجمه)

رادیکالیزم از کلمه یونانی Radia یعنی "ریشه و اساس" گرفته شده و به معنی تغییر بنیادی می‌باشد. این اصطلاح همراه با انقلاب فرانسه ظهور کرد و پس انقلاب پدیده تغییر بنیادی در این کشور را به تصویر کشانده و نمایان ساخت تا این که این دولت به جمهوری تبدیل می‌شود و بسیاری از رادیکال‌های اروپایی، انقلاب فرانسه را الگویی برای خود می‌دانند. اصطلاح رادیکالیزم در قرن نوزدهم در امریکا، در قاره اروپا و آمریکای لاتین بیانگر ایدئولوژی لیبرالی مترقی و الهام یافته از انقلاب فرانسه بود.

رادیکال‌ها در اروپا توانستند جذب احزاب سیاسی مانند حزب جمهوری خواه و سوسیال رادیکال گردند تا جایی که این حزب در سال‌های 1866-1940م به مهم‌ترین حزب فرانسه تبدیل و موفقیت آن برای رسیدن به قدرت مورد تحسین قرار گرفت. مفکوره رادیکالیزم در اواسط قرن گذشته در اروپا به اوج شوکت خود رسید بود تا اینکه این مفکوره در دهه هفتاد جایگاه خود را از دست داد؛ پس از آن که منجر به تغییر بنیادی دولت‌ها در کل اروپا شد، سپس دموکراسی سوسیالی به عنوان یک نیروی سیاسی در اکثر کشورهای اروپایی ظاهر شد، نقش فلسفه رادیکال را به عنوان فلسفه خود اتخاذ کرد، احزاب لیبرالی محافظه کار، نئولیبرالی و سوسیال دموکرات براساس آن تاسیس یافتند؛ احزابی که اکنون بر کل اروپا و آمریکا حاکم است. بلی، این است موقف اروپا در ارتباط به مفکوره رادیکالیزم، که مراد از آن تغییر بنیادی می‌باشد و آن را پایه و اساسی برای تغییر نظام‌های حاکم اتخاذ کردند. این چیزی می‌باشد که آنان را به جایی رسانده است که اکنون در آن قرار دارند.

اما هنگامی که مسلمانان خواستار تغییر بنیادی شدند، به ویژه پس از آن که اردوهای استعمارگری سرزمین‌های اسلامی را ترک کرد، نظام‌های ملی با برگزیدن نظام سرمایه‌داری به شکست مواجه گردیده، مردم در جستجوی بدیلی برای این نظام شدند و راه‌حل تغییر بنیادی مطرح گردید. غرب را جنون فرا گرفت، زیرا فهمید که تغییر بنیادی به معنی کنار رفتن نظام سرمایه‌داری، رهایی از برده‌گی آن و خارج شدن از کنترل نظام بین‌المللی به ضرر آن می‌باشد؛ طوری که با تمام قوای در جنگ علیه هر آن چیزی برخاسته که نمایان‌گر موجودیت اسلام در حیات عامه می‌باشد، حتی اگر آن چیزی یک تکه پارچه‌ای باشد که یک دختر بچه مسلمان روی سرش می‌گذارد.

هنگامی که احساس کردند، مسلمانان دنبال تغییر واقعی می‌باشند، ناچار در فکر برنامه‌های روشنی برای مقابله با این نگرش خطرناک به زعم خود شدند. تمام تلاش‌های شان بالای مراکز تحقیقاتی جهت تهیه برنامه‌های محکم برای مقابله با این نگرش متمرکز می‌باشد. به عنوان نمونه‌ای از توصیه‌های این مراکز معتبر تحقیقاتی، برخی از توصیه‌های شرکت آمریکایی "راند" را یادآور می‌شویم، مانند کتاب جهان اسلام پس از 11 سپتامبر، که توصیه می‌کند، برای اطمینان از موفقیت آن، پالیسی باید شامل تمام جنبه‌های سیاسی، رسانه‌ای، فکری و بین‌المللی باشد. اولین موضوع محوری این کتاب نقشه‌ای جامعی را از نگرش‌های ایدئولوژیک در مناطق مختلف سرزمین‌های اسلامی ارائه می‌دارد، مطالبات مردم را به تغییر بنیادی، به معنای رادیکالیزم و تروریزم توصیف می‌کند و سپس رسانه‌ها را برای انحراف توجه مردم از مفکوره تغییر بنیادی، متمرکز می‌سازد، زیرا هیچ بدیل و جایگزینی برای نظام سرمایه‌داری به جز اسلام وجود ندارد. بنابراین لازم است که مردم را از اسلام دور ساخته و

راجع به اسلام برای شان تشویش و وا همه ایجاد کنند. آنچه که این کتاب بیشتر بر آن تأکید می‌کند، پدیده گسترش "تغییرات رادیکالی به نفع اسلام" است، به معنی مطالبه تغییرات اساسی بر اساس اسلام. برخی از این کتاب آن را به عنوان پدیده‌ی مزاحم دولت آمریکا توصیف کردند؛ دولتی که در متقاعد کردن مسلمانان به عقاید لیبرال ضد رادیکال خود، دچار مزاحمت‌های بسیاری خواهد شد؛ چیزی که به معنی به تهدید مواجه شدن منافع آمریکا در سرزمین‌های اسلامی می‌باشد، "طبق آنچه در این کتاب بیان شده است".

این کتاب چنین توصیه می‌دارد:

1- ایجاد یک شبکه اسلامی معتدل و میانه‌رو از طریق ایجاد شبکه‌ای بزرگی که به زبان عوام صحبت کرده و بیان‌گر عقاید و افکار آن‌ها باشد؛

2- از بین بردن شبکه‌های رادیکال با اسالیب و روش‌های مختلف؛

3- تشویق اصلاح مدارس دینی و غیر دینی، همان‌طور که امروز در سودان و جاهای دیگر شاهد آن می‌باشیم؛

4- حمایت از اسلام مدنی؛

5- ادغام اسلام‌گرایان در سیاست‌های عمومی (آن‌ها را به قدرت رسانده و در قدرت آن‌ها را خنثی سازیم)؛

6- فعالیت و همکاری با مسلمانانی که خارج از سرزمین شان بصرمی‌برند (دولت انتقالی در سودان بهترین نمونه برای آن است)؛

7- برقراری دوباره روابط نظامی با دولت‌های حاکم در سرزمین‌های اسلامی.

این کتاب به ضرورت برقراری فعال روابط نظامی تأکید می‌ورزد، زیرا آموزش افسران مسلمان توسط آمریکا، تنها تضمین‌کننده عدم تعرض رهبران نظامی مسلمان بر ارزش‌ها، فعالیت‌ها و تلاش‌های آمریکایی نیست، بلکه همچنین افزایش نفوذ آمریکا را در منطقه اسلامی عربی، تضمین می‌کند.

از آنجای که تغییرات بنیادی عامل خطرناک و مشترکی در میان کشورهای طمع‌کار استعمارگر می‌باشد، حکام سرزمین‌اسلامی به پیکارکنندگان با اسلام مبدل، مقتضیین تغییر بنیادی را تحت فشار قرار داده، به آنان اتهامات گوناگونی را نسبت می‌دهند و گروه‌هایی را به نام آن‌ها تشکیل و به اقدامات بسیار شنیع روی می‌آورند. تاجای که این اسلوب در حال حاضر ابزاری برای حکام و طمع‌کاران، جهت دستیابی به قدرت و قرار گرفتن بر منصب دولت‌های مزدور در صحنه تأثیر بین‌المللی شده تا این که با داران‌شان آنان را در سرکوب مردم‌شان یاری رسانده و برای این تشنه‌گان قدرت زمینه رسیدن به قدرت را فراهم سازند. در این ارتباط ما نمونه‌های بسیاری داریم که از مرز شمارش بیرون اند. ما شاهد چاپلوسی حاکم مصر برای فرانسه بودیم، در حالی که ماکرون در نهران و آشکار برای مبارزه با اسلام شمشیر خود را از غلاف کشیده و با تمام توان از کسانی که به رسول الله صلی الله علیه و سلم توهین رواداشته اند، دفاع می‌کند... مساجد را تعطیل و به دنبال صدور قوانینی است که دعوت به

اسلام به عنوان دینی که تمام امور زندگی، از جمله حکمرانی را تنظیم می‌کند، جرم عنوان کرده و دعوت گر آن را مجرم می‌شمارد.

اما اگر به وثیقه و پیمان "ابراهام" که توسط مجموعه از دولت‌ها از جمله سودان به امضا رسیده است، نگاهی بیندازیم، متوجه می‌شویم که یکی از مهم‌ترین بندهای آن مبارزه با اسلام رادیکال است؛ چیزی که تمام دولت‌ها به آن متعهد شده و بدین وسیله شمشیرهای شان را برای مبارزه علیه اسلام بلند کردند. عبدالفتاح البرهان قبلاً متعهد شده بود که آماده است از احزابی که مبنی ایدئولوژیکی دارند، ممانعت کند. آن‌ها به عنوان پیش‌پرداختی برای جلب حمایت برای خود در رسیدن به قدرت یا تداوم در آن، اسلام را در زیر پای دولت‌ها و قدرت‌های بزرگ می‌اندازند، لیکن پرسش این است که آیا این اقدامات باعث جلوگیری از ظهور و شوکت اسلام می‌شود؟! در حالی که الله سبحانه و تعالی چنین می‌فرماید:

﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾ [سوره غافر آیه ۵۱]

ترجمه: ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و (در آخرت) روزی که گواهان به پا می‌خیزند یاری می‌دهیم!

رسول الله صلی الله علی وسلم نیز چنین می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ زَوْي لِي الْأَرْضِ فَرَأَيْتُ مَشَارِقَهَا وَمَغَارِبَهَا فَإِنَّ أُمَّتِي سَيَبْلُغُ مُلْكُهَا مَا زَوْي لِي مِنْهَا»

ترجمه: الله (سبحانه و تعالی) زمین را برای من جمع کرده و در معرض دید من قرار داد، من تمام شرق و غرب آن را دیدم، هر آن چه که از آن برایم جمع کرده شد، حتماً اتمم بر آن حاکم خواهد شد.

در جای دیگر رسول الله صلی الله علیه و سلم چنین بشارت می‌دهند:

«تَكُونُ النَّبُوءَةُ فِيكُمْ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةً عَلَي مِنْهَاجِ النَّبُوءَةِ، فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ مُلْكًا عَاصًا، فَيَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ مُلْكًا جَبْرِيًّا، فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةً عَلَي مِنْهَاجِ النَّبُوءَةِ، ثُمَّ سَكَتَ»

ترجمه: تا مدتی که الله (سبحانه و تعالی) بخواهد در میان شما نبوت و پیامبری باقی خواهد ماند و هنگامی که الله (سبحانه و تعالی) خواست آن را از میان بر می‌دارد، و بعد از آن خلافت بر روش و منهج نبوت خواهد بود و آن تا هنگامی که الله (سبحانه و تعالی) خواسته باشد ادامه می‌یابد، سپس وقتی که الله (سبحانه و تعالی) خواست آن را برداشته پادشاهی با دندان گیرنده می‌آید، و آن تا وقتی که الله (سبحانه و تعالی) خواست دوام می‌کند، سپس هنگامی که الله (سبحانه و تعالی) خواست آن را برداشته پادشاهی جبر و ستم خواهد آمد، و تا وقتی که الله (سبحانه و تعالی) خواست دوام می‌یابد، بعد از آن هنگامی که الله (سبحانه و تعالی) خواست آن را دور کرده بار دیگر خلافت بر روش و منهج نبوت می‌آید.

رادیکالیزم به معنی تغییر بنیادی در غرب یک پدیده ستودنی می‌باشد، اما در سرزمین‌های اسلامی بر حسب نگرش دیکته شده از سوی کفار استعمارگر غربی، آن را یک جنایت بزرگ می‌پندارند! بلی، این جنگی بین حق و باطل است؛ در حالی که تاریکی شب هر چقدر به طول انجامد، سرانجام روشنی دامن‌گیر آن خواهد شد؛ اما لحظه لحظه صبر پیروزی و نصرت را در پی دارد.

﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ [سوره حج آیه 40]

ترجمه: به تأکید الله (سبحانه و تعالی) کسانی را که او را یاری کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می‌کند؛ الله (سبحانه و تعالی) قوی و شکست‌ناپذیر است.

نویسنده: مهندس حسب الله النور

مترجم: علی مطمئن